

بانوان و جنگ

بقلم کارشیش



استخدام عمومی زنان در عملیات جنگی قضیه تازه‌ای است زیرا نقطه در این جنگ است که عقیده تسلیح عمومی تمام کشور کاملاً عملی شده. درست است که در جنگ گذشته زنان دایره عملیات خود را توسعه داده بمشاعلی از قبیل شوپوری، باربری در راه آهن و برزگری میپرداختند ولی فقط در این جنگ است که، جز اشتراک در خود عمل جنگ، هر کار دیگری را که سابقاً مردان انجام میدادند عهده میگیرند. حتی خود جنگ هم اینک دیگر اختصاص بمردان ندارد زیرا در اطراف لنینگراد و مسکو زنان دست باسلاح آتشین بردند و در انگلستان هم با توپهای ضد هوایی بدفاع کشور مشغولند.

انگلستان با خطر عظیمی مواجه بود معذالک صرفنظر از یک کتابش که «ترغیب» نام دارد در کلیه نوشتجات او از جنگی که انگلستان در آنوقت سرگرم آن بود ذکری نیست. نه تنها این بلکه کتب خود را بنحوی نوشته که حتی متفرستین خوانندگان نمیتواند بوئی ببرد که انگلستان قشون فراوانی بماوراء بحار اعزام داشته یا اینکه از طرف قاره اروپا خطر اشغال شدن برای این کشور میرفته است. در صورتیکه دو برادر خود این خانم نویسنده مستخدم درباداری بوده اند.

اینکه آیا نفس لزوم اشتراک زنان در جنگ، ولو در کارهای غیرجنگی باشد، دال بر بدی جنگ هست یا نه موضوعیست قابل بحث زیرا عدم اشتراک بلا تردید زنانرا از احراز مقام شایسته خود در اجتماع بشری محروم میسازد. مردان رویهمرفته این اشتراک را نمپسندند بلکه بیشتر مایلند که در موقع عزیمت بجنگ زنان یا عشاق خود را مشاهده کنند که با چشمان اشکبار دستمالهای سرشک آلود خود را بعنوان خدا حافظی بحرکت میآورند در حالیکه قلوب خودشان از امید مراجعت و ذکر شهادتهائیکه در میدان نبرد بروز داده اند برای زنان جوان خود که، گرچه چیزی از آن نمیفهمند، بادیده تحسین بدان مینگرند مملو است و اطمینان دارند که پیاداش این شهادتها مورد همه‌گونه الطافیکه آرزو میگردند قرار خواهند گرفت. ولی دلاوران

در گذشته همیشه عادت بر این بوده که مردان جنگیده و زنان در خانه منبشستند. تمام افسانهها و اشعار حماسی قدیم نشان میدهد که زنان برای جنگجویان پیروزمند بمشابه جوایزی بوده اند که در انتظار آنان باشد نه چون شرکاء رزم مردان. اهمیت شواهد تاریخی و افسانه‌ای نبرد واقعی زنان از لحاظ نادر بودن آنست و از همین رو است که افسانه نویسان و شعرا در باب زنائی از قبیل «بودیسیا»، «گوردا فرید»، «گوردیا» و «زان دارک»، بقلم فرسائی پرداخته اند و اگرچه در زمان ما این پهلوانان قصص و تواریخ مورد تقدیر تمام دنیا هستند معذالک چنین بنظر میرسد که معاصرینشان آنانرا تا حدی بنظر حقارت میدیدند.

بنابراین تا حلول سده بیستم زنانرا در جنگ سهوی ناچیز بود. در موارد جنگ همیشه مردم بدو دسته مشخص تقسیم میشدند یعنی جنگجویان و غیرجنگجویان. عده‌ای مردان سالم و جوان نیز جزو گروه دوم بودند که عدم تمایلشان بجنگ و دفاع از کشور خود عمل تنگ آوری بشمار نمیرفت. مقایسه رمانهای مشهور جنگهای ناپلیونی با رمانهائیکه در این جنگ و جنگ گذشته نوشته شده بما نشان میدهد که کتب دسته دوم از سرتانه پر از جنگ است در صورتیکه در دسته اول ندرتاً ذکری از آن رفته. «ژین استن» رمانهای خود را در زمانی مینوشت که

غیر مناسب تشخیص میشود. آری در جنگ گذشته و حتی ابتدای جنگ کنونی خدمات بیشتر زنان تفریحی بیش نبود ولی از بهار سال ۱۹۴۱ بیحد دیگر سهم زنان در جنگ تفریحی نبوده وظایفی جدأ مفید و مهم را عهده‌دار میباشند. از آنجا که زنان نسبت بمردان صبورتر، منظمتر و سازگارترند چون با وظیفه تازهای مواجه شوند بیش از آنچه واقعاً از آن محظوظند مسرور بنظر میرسند. اصلاً محتمل است که خاتمه جنگ، هر وقت باشد، زنان را بقدر مردانی که شغل دائمیشان خدمت در آرتش نیست تسکین بخشد. عروسی و مادر شدن و زندگی خانوادگی کردن ناگزیر باید چون گذشته مهمترین هدف زنان باشد و البته با توان با کمال میل بدان باز خواهند گشت همانطور که بسایر چیزهای کم اهمیت تر مانند لباسهای زیبا و عشق ورزی، که فعلاً بایوشاک نظامی و کثرت گرفتاریهاییکه لازمه جنگ است ناممکن شده، رجوع خواهند نمود.



اتاق تبیین خط سیر هواپیماها در مواقع حسه

امروزه که از جنگ برمیکردند چنین موقعیتی را واجد نیستند. گرچه وجود زنان در صفوف جنگ هنوز نسبتاً نادر است ولی در عین حال از مصائب و مخاطرات جنگ چیزی باقی نمانده که زنان دچار آن نشده باشند. اکنون زنان در قسمتهای علائم و مخابرات و انواع امور نظامی، که پاره‌ای از آنها فوق العاده محرمانه است، مشغول خدمتند، هر قسم وسیله نقلیه که بدستان بیاید میرانند، در همه نوع نقلیه دریائی کار میکنند، در امور هوانوردی خدمت میکنند و بسیاری از آنان پست «خلبان تحویلی» را دارند یعنی هواپیماهای نظامی را از کارخانها یا مراکز سوار کردن طیارات پیرواز آورده در مراکز عملیات نظامی تحویل میدهند. همچنین برای مساعدت بمردم در موقع هجومهای هوائی، آتش نشانی، آمبولانس و وظائف مختلفه پلیسی، تشکیلات منظمی دارند و عده زیادی هم برای ایفای اینقبیل وظائف، و غالباً تحت شرایطی که بکلی از رفاه و آسایش دور است، مأمور ممالک مناطق حاره شده اند.

در جنگ گذشته سربازیکه از جبهه فرانسه برخصی میآمد با حکایات مخوف از مخاطرات و زحماتیکه بسرش آمده بود، و غالباً هم اغراق بود، لرزه براندام زنان خانواده خود میانداخت ولی حالا دیگر این حرفها کهنه شده است. بعضیها میپرسند این وضعیات عاقبت ما را بکجا خواهد کشانید؟ اگر جنگ خیلی طول بکشد آیا زنان بزندگی بسیط و آزاد آفندر عادت نخواهند کرد که از بازگشت بزندگی آرام و یکنواختی که گوئی دست مردان و خیاط قضا باهم بر اندام آنان دوخته است استنکاف ورزند؟ محتمل است کسانیکه در این باره مرددند تصور نمایند جنگ برای زنان میدان تفریحی فراهم ساخته که در آن بخوشگذرانی مشغولند. البته بعید نیست این تصور درباره معدودی زنان که قبلاً زندگانی خشک و عاطل یا عمری بیهدف میگذرانده اند صدق نماید ولی اکثر زنان در برابر آنچه بدست آورده اند از مزایای زیادتری صرفنظر نموده اند. هنوز هم زنان شوهر اختیار میکنند و هنوز هم زنان مادر میشوند و اگر آمار نوزادان را معتبر بشماریم عده موالید در ایام جنگ زیادتر شده اگرچه با وضعیات و تحت شرایطی بوده که در زمان صلح